

## روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه (۱۱۳۵-۹۹۶ق. / ۱۷۲۳-۱۵۸۸م.)<sup>۱</sup>

محمد علی رنجبر<sup>۲</sup>

علی توکلیان<sup>۳</sup>

سیداحمد موسوی<sup>۴</sup>

### چکیده

روابط سیاسی و بازرگانی ایران با کشورهای اروپایی و برخی کشورهای همسایه از عصر صفوی قوت گرفت. دولت روسیه نیز با اهداف سیاسی و تجاری باب روابط را با دولت صفویه گشود و راه‌های شمالی امکانات فراوانی را برای آن کشور فراهم ساخت که رابطه خود را با ایران از طرف دریای خزر و سرزمین‌های شرق و غرب این دریا برقرار کند. نخستین روزنه روابط تجاری ایران و روسیه در دوره صفوی از طریق سفارت نماینده کمپانی مسکوی برای شاه طهماسب اول صورت گرفت، اما در دوره شاه عباس اول مناسبات تجاری دو کشور وارد مرحله جدیدی شد. در واقع او در زمینه تجارت خارجی انعطاف و تساهل را به عنوان راه برون رفت از انزوای ایران صفوی برگزید. به این ترتیب ایران را به پیکره جهان رو به رشد پیوند زد. اما با مرگ شاه عباس اول جانشینان وی علاقه کمتری به تجارت نشان دادند. همچنین دو کشور ضمن فرستادن سفارت‌های خود به کشور یکدیگر علاوه بر اهداف سیاسی، منافع تجاری را نیز در دستور کار این سفارت‌ها قرار دادند. از جمله گروه‌هایی که نقش کلیدی در روابط تجاری ایران و روسیه ایفاء کردند، ارامنه بودند. سرانجام با به قدرت رسیدن پطر کبیر معادلات سیاسی تجاری دو کشور به سود روسیه پایان یافت. در مقاله حاضر با در نظر داشتن این روند، بررسی تفصیلی با هدف آشکار نمودن چگونگی روابط تجاری ایران و روسیه صورت می‌گیرد و جایگاه سیاسی توجه به این نوع رابطه تبیین می‌شود.

### واژگان کلیدی:

ایران، روسیه، صفویه، شاه عباس اول، روابط تجاری

<sup>۱</sup>. تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۲/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۴/۳۱

E-mail: ranjbar@shirazu.ac.ir

E-mail: tavakolian.ali59@gmail.com

E-mail: ahmadmoosavi93@yahoo.com

<sup>۲</sup>. استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز

<sup>۳</sup>. کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی

<sup>۴</sup>. عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور استان هرمزگان

## مقدمه

ایران و روسیه از زمان‌های گذشته از طریق شاخه‌های جاده ابریشم با یکدیگر روابط تجاری داشتند و این جاده پس از عبور از ایران در شمال به دو بخش تقسیم می‌شد. یکی به ازمیر و انطاکیه می‌رفت و دیگری کوه‌های قفقاز را پشت سر گذاشته، وارد روسیه می‌شد. روس‌ها از تجارت ادویه، ابریشم، عاج و اشیاء قیمتی و فروش آن در اروپای شمالی سود فراوانی می‌بردند. به طور کلی آن‌ها در روابط بازرگانی خود با ایران از چندین امتیاز برخوردار بودند:

۱- کمی فاصله میان دو کشور؛ بدین ترتیب که در نواحی شمال غربی ایران، رودخانه و قلعه سولاق سرحد تلقی می‌شد و آن‌ها می‌توانستند با بازارهای داخلی ایران تماس داشته باشند.

۲- وجود دریای مازندران و استقرار روس‌ها در کرانه‌های شمالی و شمال غربی آن مانند حاجی طرخان (هشترخان، آستراخان).

۳- ثروت و امکانات نسبی مردم شمال ایران که کاشت و برداشت محصولات به مدد اقلیم مساعد طبیعی در آن ناحیه فراوان‌تر بود و نگهداری دام‌ها و تربیت کرم ابریشم نیز بازدهی زود هنگام داشت. از این رو، روس‌ها با استفاده از هم‌جواری، مشتری ویژه مصنوعات و محصولات مردم شمال بودند و خود نیز کالاهایشان را در اختیار آن‌ها قرار می‌دادند.

۴- حوزه جنوبی دریای خزر به دلیل موقعیت طبیعی‌اش در پناه دریا و کوه‌ها قرار دارد و از آنجا که نفوذ عناصر خارجی در آن به سهولت انجام نمی‌گرفت، خواه ناخواه امنیت بود و زمینه را برای داد و ستد فراهم می‌آورد.

بر این اساس روس‌ها به خوبی از امتیازات تجاری با ایران آگاه بودند به خصوص که عمده مصنوعات خود را به نواحی مازندران، گیلان و شروان می‌فرستادند و خریدهای مطلوب از همین نقاط صورت می‌گرفت.

سال ۹۵۹ ق. / ۱۵۵۲ م. سرآغاز روابط ایران و روسیه در دوره صفویه است؛ روس‌ها در دوره حکومت ایوان چهارم<sup>۱</sup> (مخوف) (۱۵۸۴-۱۵۳۳ م.) در سال ۹۵۹ ق. قازان را تصرف کرده و به سلطنت خوانین پایان دادند. دو سال پس از آن به حاجی طرخان دست یافتند و دامنه تسلط آن‌ها به ساحل شمالی دریای خزر و مصب ولگا<sup>۲</sup> رسید و این رودخانه مهم را از سرچشمه تا مصب آن که نقش کلیدی در تجارت شرق داشت تحت سیطره خود در آوردند. (جمال زاده، ۱۳۸۴: ۱۰۸)

<sup>۱</sup>. Ivan the Terrible

<sup>۲</sup>. Volga

## روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه ۵۹

با تسلط روس‌ها بر حاجی طرخان به تدریج شرکت‌های بزرگی در روسیه به قصد تجارت با ایران تشکیل شد، چنانکه در دوره شاه طهماسب شرکت تجاری مسکوی در سال ۹۶۹ق. / ۱۵۶۲م. آنتونی جنکینسن<sup>۱</sup> تاجر انگلیسی که در مسکو تجارت می‌کرد را به ایران فرستاد. (پارسادوست، ۱۳۷۷: ۷۴۷-۷۴۶)

جنکینسن، نماینده کمپانی مسکو، در راستای اهداف تجاری شرکت از طریق ماوراءالنهر به ایران آمد و با شاه طهماسب ملاقات کرد. اما وی در سفرش به ایران بدون امضاء معاهده تجاری به مسکو بازگشت. علت آن بود که زمانی که جنکینسن به ایران آمد شاه طهماسب با حسن آقا، سفیر ترکان در قزوین در حال انعقاد قرارداد ۹۶۹ق. / نوامبر ۱۵۶۲م. بود و به پیشنهادهای تجاری جنکینسن توجه نکرد تا مبادا به روابط صفویان با ترکان خدشه‌ای وارد شود. (فریر، ۱۳۸۴: ۲۲۲)

در سال ۹۷۳ق. / ۱۵۶۶م. هیأتی به ریاست آرتور ادواردز<sup>۲</sup> از هسترخان به ایران آمد؛ این هیأت هنگامی که به قزوین رسید اوضاع را تا اندازه‌ای مساعد دید، زیرا شاه طهماسب به پوشیدن پارچه‌های لندن (انگلیسی) تمایل نشان داده و فرمانی نیز در مورد شرکت مسکو صادر کرد که او را از گمرک راهداری معاف کرده و حتی وعده حمایت از تجار و اجازه رفت و آمد آن‌ها در سرتاسر کشور و بعضی وعده‌های دیگر را نیز به آن‌ها داد. (شوستر والسر، ۱۳۶۴: ۱۰۱)

از جمله شهرهایی که در این دوران به لحاظ تجاری بسیار اهمیت داشت هسترخان بود که در ۷۵ مایلی ولگای سفلی از طرف دریای خزر قرار داشت و روس‌ها آن را در سال ۹۶۱ق. / ۱۵۵۴م. تصرف کردند. اهمیت هسترخان در تجارت نیمه دوم سده شانزدهم میلادی ایران دو چندان بود: نخست اینکه در کنار جاده ای قرار داشت که تا دریای خزر کشیده می‌شد و اروپا را به آسیا پیوند می‌داد و در واقع دور از دسترس و دخالت ناوگان اسپانیا و پرتغال بود. همچنین این راه خارج از نظارت ترک‌ها و ونیزی‌ها قرار داشت و بازار بالقوه‌ای برای صدور قماش انگلیسی به شمار می‌آمد و برای تجارت ادویه، ابریشم و رنگ مهم بود. دوم اینکه هسترخان به عنوان پایگاه جنوبی روسیه، منافع عثمانی را در مناطق قفقاز به مخاطره می‌انداخت.

طی سال‌های ۹۸۸-۹۶۷ق. / ۱۵۸۰-۱۵۶۰م. از سوی کمپانی روسی - انگلیسی (مسکوی) ۶ سفر به ایران به منظور تغییر مسیر تجارت ایران از محور شرقی - غربی به محور شمالی -

<sup>1</sup> Anthony Jenkinson

<sup>2</sup> Arthur Edwards

جنوبی صورت گرفت. این برنامه برای تجار ایرانی که درصدد بودند از سلطه ترکان بر جاده‌های ترانزیتی و صادراتی رهایی یابند جذابیت‌های ویژه‌ای داشت. (فریر، ۱۳۸۴: ۲۲۳-۲۲۲)

ترکان در میانه سده دهم هجری/ شانزدهم میلادی بر مسیرهای غربی جاده ابریشم ایران مسلط بودند، بنابراین در مقابل گشایش راه شمالی پس از سلطه روس‌ها بر هشتراخان در سال ۹۶۱ق.م/ ۱۵۵۴م. واکنش‌هایی نشان داده و بر ضد آن‌ها اقداماتی کردند. نخستین واکنش توقف دشمنی‌های ایرانیان و ترکان و انعقاد صلح آماسیه در سال ۹۶۲ق.م/ ۱۵۵۵م بود. روس‌ها فقط برای اعتبار سیاسی و مذهبی ترکان تهدیدی بالقوه نبودند بلکه منافع تجاری آن‌ها را نیز به مخاطره می‌انداختند.

### شاه عباس اول و تجارت با روسیه

در دوره شاه عباس اول (۱۰۳۸-۱۰۹۶ق.م/ ۱۶۲۹-۱۵۸۸م.) چندین سفارت‌خانه با اهداف سیاسی - تجاری میان ایران و روسیه بر پا شد. روند مناسبات دو کشور در این دوره به گونه‌ای بیانگر دیپلماسی فعال آن‌ها در جهت پیشبرد اهداف سیاسی- تجاری بود و دولت ایران با توجه به راهکارهای مناسب شاه عباس اول در زمینه سیاست خارجی از روابط با روسیه بیشترین بهره برداری را کرد.

مهم‌ترین کالاهای صادراتی از ایران به روسیه بیش از همه انواع و اقسام منسوجات ابریشمی بود؛ این اجناس شامل اطلس قزلباش<sup>۱</sup>، مخمل‌های قزلباش، دارایی داروغه‌ای<sup>۲</sup> گیلانی و کاشانی، صوف<sup>۳</sup>، زربفت، کمخای یزدی، کمخای قزلباشی، قطنی<sup>۴</sup> قزلباشی، آبیار<sup>۵</sup> فته<sup>۶</sup> قزلباشی بود. افزون بر آن ابریشم خام، پوستین اسلحه، شمشیر قزلباشی، تیر قزلباشی، کمان قزلباشی، کمان مشهدی و زین و برگ قزلباشی، مروارید هرمز، فیروزه، پنبه، چرم، داروهای طبی، رنگ‌ها و خشکبار از ایران به روسیه صادر می‌شد. (پیگولوسکایا، ۱۳۵۴: ۵۴۳-۵۴۲) در

<sup>۱</sup> در روسیه قرن ۱۶ و ۱۷م. حکومت صفوی را حکومت قزلباش و تمام ساکنان آن را قزلباشان می‌خواندند.

<sup>۲</sup> منسوج ابریشمی زردوزی یا نقره دوزی شده

<sup>۳</sup> منسوج ابریشمی

<sup>۴</sup> پارچه مخطط نیمه ابریشمی

<sup>۵</sup> منسوج ضخیم ابریشمی موجدار با خطوط طلائی و نقره‌ای

<sup>۶</sup> روسری ابریشمی

## روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه ۶۱

منابع روسی برخی اقلام دیگر چون نیترات پتاسیم و نفت باکو<sup>۱</sup> که در پزشکی روسیه کاربرد داشت به عنوان صادرات ایران ذکر شده است. (kotilaine, 2005:453)

همچنین برخی کالاها از طریق روسیه به انگلستان صادر می‌شد که از ایران وارد شده بود و شامل ابریشم خام، فلفل، زنجبیل، جوز هندی، دارچین، گوگرد، زاج سفید، برنج، میخک و چوب تیر بود. (فریر، ۱۳۸۴: ۲۲۶)

میزان معاملات تجاری ایران با روسیه در قرن یازدهم هجری/ هفدهم میلادی افزایش یافت. تجار روسی در اصفهان، قزوین و شهرهای شمال ایران ظاهر شدند و تعداد زیادی از آن‌ها که در شماخی مستقر بودند و مهمان‌سرا و کلیسا داشتند ابریشم و دیگر کالاهای ایران را از راه روسیه به لهستان و آلمان صادر می‌کردند.

از روسیه به ایران از طریق ولگا، دریای خزر و شماخی و گیلان انواع خز، قاقم، چرم خام، چیت، ماهوت، پارچه های کتانی، آهن، مس، مصنوعات فلزی و شیشه‌ای، سنگ‌های قیمتی، پوستین، کاغذ تحریر، شکر، عسل و موم، ودکا، خاویار، ماهی و سلاح گرم<sup>۲</sup> وارد می‌شد. ثروتمندان و امیران ایران از پوست خز و سمور که به وسیله روس‌ها به ایران می‌آمد استقبال کرده و از آن برای زینت یقه و سردست لباس‌های خود استفاده می‌کردند. (مفخم پایان، ۱۳۷۵: ۴۰۳)

از روسیه پرندگان شکاری (شاهین و باز) نیز به ایران صادر می‌شد. شاردن در سیاحتنامه خود ذکر می‌کند که بیشتر این پرندگان در ایران متعلق به پادشاه است و قیمت هر یک از این پرندگان حدود صد تومان است. (شاردن، ۱۳۵۰: ۱۳۲-۱۳۱)

تزار روسیه از کالاهای وارداتی به ایران درآمد فراوانی را کسب می‌کرد. چنانکه آدم اولتاریوس در سفرنامه خود چنین می‌نویسد: «قسمت مهمی از درآمد خزانه تزار از فروش پوست‌های گران‌بهای سمور و قاقم [حیوانی شبیه سنجاب] و روباه است که در شمال روسیه شکار شده و پوست آن‌ها را به مسکو می‌فرستند و این پوست‌ها به کشورهای خارجی و مخصوصاً ایران و ترکیه فرستاده می‌شود و به قیمت خوب به فروش می‌رسد.» (الٹاریوس، ۱۳۷۹: ۲۷۱)

بازرگانان ایران معمولاً در اواسط خرداد ماه برای داد و ستد به هشترخان می‌رفتند. آنچه که در آنجا بیشتر می‌فروختند حریر رنگ شده، داروهای طبی، چیت، قالی و

<sup>۱</sup>. بندر باکو یکی از مهم‌ترین بندرهای صادراتی ایران بود و نفت سفید مخصوصی در این شهر تولید می‌شد.

<sup>۲</sup>. صدور اسلحه از روسیه به طور قاچاق صورت می‌گرفت.

قالیچه بود و در عوض خز، قاقم، همه گونه پوست برای دباغی، خاویار، کره و سکه‌های قدیمی روس را می‌خریدند و به قیمت خوبی به بازارهای ایران عرضه می‌کردند. (طاهری، ۱۳۵۴: ۱۰۴)

### نقش سفارت‌های سیاسی در مناسبات تجاری دو کشور

دولت‌های ایران و روسیه هنگامی که سفرای خود را به عنوان هیأت‌های سیاسی رد و بدل می‌کردند مأموریت‌های تجاری نیز در دستور کار آن‌ها گنجانده می‌شد و حتی برخی از این سفارت‌ها فقط جنبه تجاری داشت.

شاه عباس نیز بنا به شیوه همیشگی خود در رابطه با روسیه می‌کوشید که ضمن برقراری مراودات نظامی و سیاسی در امور بازرگانی نیز قراردادهایی منعقد کند. چنانکه وقتی او در سال ۹۹۹ق/۱۵۹۱م. دومین سفیر خود به نام کای را به مسکو فرستاد علاوه بر فرمان دیپلماسی به وی فرمان پی گیری امور تجاری را نیز داد. سفارت کای در زمینه تجاری با روسیه به توافق رسید و این تنها نتیجه قطعی سفارت وی بود.

شاه عباس پیش از بازگشت کای هیأت دیگری را در سال ۱۰۰۱ق/۱۵۹۲م به سرپرستی حاجی خسرو به روسیه فرستاد. از جمله اهداف این هیأت اخذ تسهیلات معافیت گمرکی برای کالاهای دولتی بود که توسط بازرگانان ایرانی به روسیه وارد می‌شد. این سفارت نیز هرچند موفقیت سیاسی در برنداشت اما از لحاظ تجاری امتیازاتی را به دست آورد.

شاه عباس در یک اقدام منطقی در سال ۱۰۰۲ق/۱۵۹۳م سفارتی را به سرپرستی حاجی اسکندر به روسیه فرستاد. اعضای این سفارت بیشتر بازرگانان بودند. در این سفارت حاجی اسکندر مقداری وسایل برای فروش به روسیه برده بود. روس‌ها تقاضای او مبنی بر فروش کالاهایش به صورت نقدی را رد کردند و فقط به وی اجازه داده شد تا اجناس خود را با اقلام مورد نیازش مبادله کند. روس‌ها با تخمین مال‌التجاره او خواستار تفاوت قیمت شدند اما حاجی خسرو این درخواست را نپذیرفت.

همچنین شاه عباس هنگامی که در سال ۱۰۰۲ق/۱۵۹۴م هادی بیگ را برای چندمین بار به روسیه فرستاد تعدادی از بازرگانان در این سفارت وی را همراهی می‌کردند. آن‌ها مقدار ۲۰۰ کیلوگرم ابریشم را با خود حمل کردند و در بازگشت مقداری فلز و پوست سمور به ایران آوردند. (Matthee, 1994: 745)

سفرایی که از سوی دربار تزار روس نیز به ایران اعزام می‌شدند به اهداف تجاری توجه ویژه‌ای داشتند و غالباً با خود مقداری کالا به ایران می‌آوردند و در مقابل کالاهایی را

### روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه ۶۳

از ایران به روسیه می‌بردند. چنانکه وقتی توفیاکین در سال ۱۰۰۵ ق. / ۱۵۹۷ م به ایران فرستاده شد از جمله وظایف او امضای پیمان تجاری با ایران بود. دولت روسیه بین سال‌های ۱۰۲۲-۱۰۱۴ ق. / ۱۶۱۳-۱۶۰۵ م به علت هرج و مرج داخلی فعالیت کمتری در برقراری روابط سیاسی با ایران داشت و اگر تلاشی هم صورت گرفت در زمینه تجاری بود.

شاه عباس همزمان با آمدن تیخانوف سفیر روس و فرستاده تزار میخائیل رومانوف به ایران، سفیر خود به نام حاجی مرتضی را به روسیه فرستاد. هدف این سفارت ارائه پیشنهاد تجاری به روسیه بود. وی مقداری ابریشم نیز با خود برده بود و از آنجا برای شاه عباس خز، پوست سمور و سنجاب خریداری کرد.

یکی از بازرگانان روسی به نام گریزنوم سلیوانف<sup>۱</sup> به همراه سفارت کروبین<sup>۲</sup> در سال ۱۶۲۲ م به ایران آمد. این سفارت حدود ۵۰۰ بار پوست سمور با خود حمل می‌کرد و با هدف خرید ابریشم به ایران آمده بود. (همان : ۷۴۸) افزون بر آن ردپایی از یک تاجر روسی که در سال ۱۰۳۲ ق. / ۱۶۲۳ م به ایران آمد در دست است. این بازرگان آفناسیویچ کاتف<sup>۳</sup> نام دارد. در اسناد روسی در مورد خاندان کاتف و پیشینه تجارت آن‌ها با ایران ذکری به میان آمده است. این تاجر، اجناس تزار را خرید و فروش می‌کرد. در این سفرهای تجاری کاتف برای تزار روسیه از موضع اقوام و طوایف گرفته تا طرز حکومت، مذهب، میزان جمعیت، صنعت و تجارت شهرها و جاده‌ها و امثال آن به جمع آوری اطلاعات پرداخته بود. (نویسی، ۱۳۷۰: ۳۶۰)

کاتف همچنین در سال ۱۰۳۳ ق. / ۱۶۲۴ م برای ترغیب دربار صفوی جهت تجارت ابریشم از مسیر تجاری دریای خزر به ایران آمد اما از آنجا که شاه عباس به دنبال طرح تجاری خود در خلیج فارس بود این پیشنهاد را رد کرد. (Matthee, 1994: 748)

### اهمیت مسیر تجاری شمال

در سال ۱۰۲۸ ق. / ۱۶۱۹ م سیاست شاه عباس در حوزه های سیاسی و اقتصادی، ایجاد انحصار بر صادرات پر ارزش ابریشم خام و نیز تلاش برای پیدا کردن راه جدید آبی از طریق روسیه یا خلیج فارس برای جایگزین کردن راه خشکی قدیم عثمانی بود.

<sup>1</sup>. Griaznom Selivanof

<sup>2</sup>. Korobin

<sup>3</sup>. Fedot Afanasyevich Katof

چیرگی پرتغالی‌ها بر تجارت از راه خلیج فارس با از دست رفتن هرمز در سال ۱۰۳۲ق/۱۶۲۳م شکسته شد اما در دراز مدت اهمیت این تجارت برای رونق کلی دولت صفویه کمتر از تجارت از طریق مسیرهای سنتی به اروپا بود و شاه عباس را مصمم کرد که تجارت از مسیرهای سنتی را تا سرحد امکان توسعه دهد. بدون تردید یکی از دلایلی که موجب روی آوردن به این سیاست بود تمایل شاه صفوی به پرهیز از وابستگی بی جهت به هر یک از کمپانی‌های هند شرقی اروپایی بود. اما در راه استفاده از مسیرهای سنتی تجارت اشکالات جدی وجود داشت. سلطه تجاری ونیزیان در کرانه شرقی مدیترانه پایان یافته بود و یکی از نیروهایی که به سرنگونی آن کمک کرد دولت عثمانی بود که اکنون در دو طرف مهمترین مسیرهای تجاری سنتی قرار داشت؛ مسیری که از عراق و سوریه می‌گذشت و به بنادر مدیترانه می‌رسید و مسیر دیگری که از آناتولی می‌گذشت و به استانبول می‌رسید. امپراطوری عثمانی دشمن عمده دولت صفوی بود و دو امپراطوری در طول قرن دهم هجری/ شانزدهم میلادی و نیز بخشی از قرن یازدهم/ هفدهم میلادی ابتدا به طور تقریباً دائم و سپس به طور متناوب درگیر جنگ بودند.

شاه عباس معتقد بود که ارسال کالا از طریق عثمانی با حقوق گمرکی گزافی که این دولت دریافت می‌کرد موجب افزایش ثروت و در نتیجه قدرت نظامی آن کشور خواهد شد. بنابراین به دنبال مسیری بود که بتواند سرزمین عثمانی را دور بزند.

مسیر تجاری که از گیلان و از طریق دریای خزر به هشتراخان و سپس از مسیر ولگا به اروپا منتهی می‌شد برای این طرح مناسب بود. این مسیر که نخستین بار توسط بازرگانان کمپانی مسکو گشوده شده بود از سال ۹۸۹ق/۱۵۸۱م به علت خطرهای فراوان متروک مانده بود. (سیوری، ۱۳۷۴: ۱۹۴-۱۹۳)

هرچند شاه عباس ابتدا با انعقاد قراردادهایی با دولت‌های اروپایی تلاش کرد که کالاهای ایران از طریق خلیج فارس و جنوب آفریقا به اروپا ارسال شود و حتی برای آنکه به بازرگانان ایرانی نشان دهد که این راه خطر کمتری دارد و هزینه کالا نیز مناسب‌تر است، خود شخصاً پنجاه بار ابریشم را توسط دنگیز بیگ روملو و خواجه صفر ارمی از مسیر جنوب به اروپا فرستاد. اما شاه صفوی پیش از هر اقدام برای جلب علاقه دولت‌های اروپایی به این طرح فعالیت‌های دیگری را برای پیدا کردن راه جدید آغاز کرده بود. وی متوجه شد که مسیر تجاری شمال ایران به اروپا بسیار نزدیک‌تر از مسیر طولانی خلیج فارس و جنوب آفریقا است. از مسیر تجاری جنوب، کالاها نه تنها مدت زمان طولانی‌تری در راه بود و دیرتر



## روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه ۶۵

به مقصد می‌رسید بلکه هزینه آن نیز گران‌تر تمام می‌شد، اما اگر می‌توانست از راه دریای مازندران و به وسیله روسیه کالای خود را به اروپا برساند کالاهای صادراتی ایران زودتر و با هزینه کمتری به بازارهای اروپا می‌رسید.

یکی دیگر از علل اساسی علاقه شاه عباس به تجارت از مسیر شمالی ایران این بود که تقریباً کل محصول ابریشم ایران از ولایات شمالی کشور به دست می‌آمد. بنابراین وی می‌خواست بدین وسیله از صرف وقت بیشتر و مخصوصاً از هزینه حمل ابریشم تا اصفهان و یا جنوب کشور جلوگیری کند. (پارسا دوست [بی تا]: ۱۳۴-۱۳۳)

براین اساس شاه عباس طی نامه‌ای از میخائیل رومانف تزار روس خواست که مسیر تجاری شمال را باز نگه دارد. برای عملی کردن این طرح در نامه‌ای به حاکم هشترخان دستور داد که این مسیر را برای تردد بازرگانان ایران و اروپا مهیا کند. شاه عباس برای سوق دادن ارامنه و تاجران اروپایی به این مسیر تجاری کلیسایی را در منطقه دربند بنا کرد تا در مسیر تجاری شمال مورد استفاده تاجران مسیحی قرار گیرد. (پورمحمدی املشی، ۱۳۸۴: ۶۱-۶۰)

دولت روسیه نیز مایل بود که کالاهای ایران از مسیر تجاری شمال به آن کشور فرستاده شود تا مشتریان انگلیسی، هلندی و ونیزی و دیگر دول اروپایی ناگزیر آن کالاها را از بازرگانان روسی خریداری کنند. (فلسفی، ۱۳۶۹: ۱۹۵۶)

همچنین شاه عباس در نامه‌ای به ریم پاپا (پاپ روم) علاوه بر اظهار مودت و دوستی پیشنهاد کرد که مسیر تجاری شمال جایگزین مسیر عثمانی شود. در بخشی از نامه شاه عباس به پاپ روم این چنین آمده است:

«... توجه تمام مبذول فرمایند که تاجران و سوداگران فرنگیه از راه اروس [روسیه] بدین ولایت آمد و شد نمایند که نفع و فایده ایشان را مردم ترک نبرند. پیوسته مکاتبات محبت اسلوب ارسال داشته هرگونه خدمتی درین دیار داشته باشند از روی خصوصیت و آشنایی اعلام نمایند. چون غرض تجدید قواعد اتحاد و دوستی بوده زیاده اطناب نرفت، عواقب امورشان بر وفق رضای حضرت پروردگار عباد مقرون به خیر باد. تحریراً فی شهر ربیع الثانی سنه هزار و نوزده» (ستوده، ۱۳۸۳: ۷۸-۷۷)

### نقش ارامنه در تجارت ایران و روسیه

در حالی که تجارت داخلی به طور عمده در دست بازرگانان ایرانی و یهودی قرار داشت تجارت خارجی تقریباً در انحصار ارامنه بود. تخصص بازرگانی و مالی ارمنیان و رابط‌های

اروپایی‌شان برای مقصود شاه عباس ضروری بود. در عین حال او می‌خواست بازرگانان اروپایی نظر مساعدی نسبت به تجارت در ایران پیدا کنند. بنابراین طریقت‌های مختلف کاتولیک را به تأسیس صومعه در ایران تشویق کرد که این سیاست کاملاً موفقیت‌آمیز بود.

شاردن نیز در سیاحت نامه خود در این باره چنین می‌نویسد: «ارمنیان در نظر شاه عباس برای انجام امور بازرگانی رعایای بسیار مناسبی بودند. خواه جهت تجارت با ترکان عثمانی، خواه برای معامله با مسیحیان. چون به مانند ایرانیان در نظر عثمانیان چندان مطرود نبودند به علاوه با عیسویان هم مذهب بودند.» (شاردن، ۱۳۴۵: ۹۵)

به هر حال ارامنه از فرصت به دست آمده نهایت استفاده را کردند. بزرگترین منبع پول نقد برای خزانه سلطنتی تجارت ابریشم بود که آن را بازرگانان ارمنی اداره می‌کردند. ارمنیان نه تنها تجارت شاه را اداره می‌کردند بلکه با بازرگانان اروپایی نیز رقابت می‌کردند. (سیوری، ۱۳۷۴: ۱۹۵-۱۹۴)

دولت روسیه بهتر از هر حکومت اروپایی و یا آسیایی از وجود عمال ارمنی استفاده می‌کرد. آن‌ها را به طور عموم از خود می‌دانست و به واسطه توافق مذهبی و ملاحظات سیاسی، وجوه اشتراکی را مطرح می‌کرد که حاصل تجربیات و اطلاعات قرن‌های دراز از زندگی مردم مسیحی مذهب ارمنی را در اختیار گیرد. تجارت روس‌ها که در ابتدا توسط بازرگانان مسکوی انجام می‌شد، بعدها عناصر محلی و از جمله ارامنه را هم به خدمت گرفت. اگر چه ارامنه تمام توجه خود را به کار تجاری معطوف کرده بودند و با کشورهای مختلف در تجارت بودند اما هم‌جواری با روس‌ها طبعاً نوعی پیوند پایدارتری بین آن‌ها به وجود آورده بود. (شعبانی، ۱۳۶۵: ۵۲۶)

یکی از مهم‌ترین اقدامات شاه عباس که در پیشرفت تجارت تأثیر داشت، کوچ دادن ارمنیان جلفا و اسکان آن‌ها در نواحی مختلف ایران بود؛ طی لشگرکشی شاه عباس در سال ۱۰۱۲ ق/۱۶۰۳ م به شمال رود ارس و ارمنستان، ارمنیان به نواحی اطراف ایروان و از آن جا به شهرهای مختلف ایران کوچانده شدند. از شهرهایی که کانون اصلی ارمنیان شد، شهر جلفا در کنار زاینده رود بود که به همین منظور بنا شد.

گروهی از ارامنه نیز در گیلان و مازندران که از مراکز تولید ابریشم بود ساکن شدند. شاردن می‌نویسد: «شاه عباس با کوچ دادن این مسیحیان گفت که این سرزمین وطن حقیقی مسیحیان است. شراب و خوک در این ناحیه بسیار فراوان و به قدر مایحتاج آن‌ها کاملاً موجود است، اینان دریانوردی را دوست دارند و با مسکوی‌ها (روسیه)، برادر دینی خود، از طریق دریای کاسپین (خزر) تجارت خواهند کرد.» (شاردن، ۱۳۵۰: ۲۶-۲۵)

## روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه ۶۷

ارامنه کالاهایی مانند پنبه، پشم، چرم روسی، موم، کندر، ریوند، مشک، چرم دباغی شده، قالی، پارچه‌های ابریشمی زربفت و انواع کالاهای تجاری را از طریق خاک روسیه به اروپا می‌بردند. اما مهم‌ترین کالاهای صادراتی ایران ابریشم بود. برای اروپائینی که در امپراطوری عثمانی به تجارت مشغول بودند ابریشم مهم‌ترین کالایی بود که از ارامنه می‌خریدند. در مقابل ابریشم ایران که به کشورهای اروپایی صادر می‌شد، فلزاتی مانند قلع و مس و پارچه‌های انگلیسی، فرانسوی و هلندی به ایران وارد می‌شد. (امیری، ۱۳۸۰: ۱۳۸)

با تکیه بر سیاست‌های حمایتی شاه عباس اول از تولید ابریشم و حمایت از ارامنه به عنوان یک قوم کارآمد در زمینه تجارت می‌توان گفت که بازرگانان ارمنی به قدری متمول شده بودند که توانستند یک تخت فوق‌العاده گران‌بها را به تزار روسیه هدیه بدهند. امنیت ایجاد شده در زمان شاه عباس اول عامل مهم دیگری در رونق تجارت بود. همان که بازرگانان ارمنی به درستی به تزار روسیه یادآوری می‌کنند که تنها در سایه امنیت است که بازرگانی رونق می‌یابد. (بورنوتیان، ۱۳۸۲: ۱۰۱)

هرچند شاه عباس به روابط تجاری با دولت روسیه اهمیت می‌داد اما انگیزه‌های سیاسی مانند اتحاد ضد عثمانی و حفظ نفوذ در محدوده سرزمین‌های قفقاز موجب ادامه روابط با روسیه شد. در واقع نقطه اوج روابط ایران و روسیه دوره حکومت شاه عباس اول است، زیرا وی علاوه بر تبادل سفرای متعدد و پیشنهادهای سیاسی - تجاری در این دوره با استفاده از شم سیاسی خود توانست روند این مناسبات را به سود ایران پیش ببرد.

### شاه صفی و تجارت با روسیه

با جلوس شاه صفی به سلطنت (۱۰۵۲ - ۱۰۳۸ ق. / ۱۶۴۲ - ۱۶۲۹ م.) کنترل وی بر تجارت ابریشم از میان رفت، در حالی که در زمان شاه عباس اول تجارت ابریشم در انحصار شاه بود. شاه صفی به واسطه دریافت مقادیر زیادی رشوه از ارامنه به هرکسی پروانه خرید ابریشم داد. (سیوری، ۱۳۷۴: ۱۹۶) افزون بر آن، با تجدید دشمنی ایران و عثمانی در سال ۱۰۳۹ ق. / ۱۶۳۰ م و عدم امنیت در منطقه خزر از سوی قزاق‌ها اوضاع تجاری ایران نیز دچار رکود شد. در این دوره به علت شیوع طاعون در شمال ایران از حجم تولید ابریشم کاسته شد و همچنین شمار فراوانی از کشاورزان و بازرگانان به علت بیماری طاعون کشته شدند. گزارش شده است که در سال ۱۰۴۵ ق. / ۱۶۳۵ م یک بازرگان روسی در معامله‌ای تجاری از کالاهایی مانند خز و مس به ارزش ۶۵۰۰ تومان فقط مبلغ ۴۰۰۰ تومان به دست آورد و تعداد زیادی از همراهان او بر اثر طاعون هلاک شدند.

در این دوره تعداد کمی از بازرگانان روسی که به ایران آمده بودند، به طور رسمی میزان ابریشم صادر شده به مسیر تجاری شمال را ثبت کرده‌اند. بنابراین، در سال ۱۰۴۴ق. / ۱۶۳۴م ابریشمی حمل نشد و در سال ۱۰۴۵ق. / ۱۶۳۵م کل ابریشم صادراتی به میزان ۱۰۷۳ عدل بود. در سال بعد با شیوع طاعون حمل و نقل غیرممکن شد. طی سال‌های ۱۰۵۷-۱۰۴۵ق. / ۱۶۴۷-۱۶۳۶م. از میزان صادرات ابریشم بین دو کشور اطلاعی در دست نیست و کشمکش مرزی در گرجستان و داغستان بین سال‌های ۱۰۶۲-۱۰۵۷ق. / ۱۶۵۲-۱۶۴۷م موجب وقفه در تجارت شد. (Matthee, 1994: 749)

با این حال در همین دوره قدرت‌های اروپایی به دنبال تجارت ترانزیت با ایران از طریق روسیه بودند. چنانکه در سال ۱۰۴۷ق. / ۱۶۳۸م هیأتی از ناحیه هولشتاین آلمان - که کارخانه‌های آن ابریشم ایران را مصرف می‌کردند به ایران آمد. این هیأت هنگام بازگشت توقفی در مسکو کرد و پیشنهاد داد که نیروهای نظامی روس سرزمین‌های نزدیک به کرانه دریای خزر که مرکز تولید ابریشم بودند را اشغال کنند. (شاردن، ۱۳۴۵: ۶۴-۶۲) قصد این بود که بازرگانان هولشتاینی امتیازاتی را در صدور ابریشم از دولت روسیه به دست آورند که این نقشه به مرحله اجرا نرسید.

در پی واکنش دولت‌های اروپایی به منظور ارتباط مستقیم با ایران، روسیه از دو جهت احساس خطر می‌کرد؛ از یک سو وجود رقبای جدید که تهدیدی برای تجارت این کشور بود و از سوی دیگر به ایران به عنوان یک متحد نیازمند بود. در حالی که روسیه سعی می‌کرد از ایجاد ارتباط بین اروپای غربی و ایران جلوگیری کند، اما با انعقاد عهدنامه صلح زهاب در سال ۱۰۴۹ق. / ۱۶۳۹م. بین دولت صفوی و عثمانی برنامه‌های روسیه ناکام ماند و بیشتر تجارت صادراتی ایران به مسیرهای سنتی بازگشت.

### شاه عباس دوم و تجارت با روسیه

در دوره شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ق. / ۱۶۶۷-۱۶۴۲م.) علی‌رغم برخی تنش‌های سیاسی بین ایران و روسیه روابط دیپلماتیک و مراودات تجاری دو کشور همچنان روال عادی خود را طی کرد.

تجارت بین ایران و روسیه در قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی بیش از هر زمان صحنه کشمکش در لوآن - رودی کوچک در فرانسه - و خلیج فارس بود. پرتغالی‌ها و بعد انگلیسی‌ها راه مستقیم دریایی بین اروپا و کشور های واقع در کنار اقیانوس هند را بر روی

## روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه ۶۹

سایر کشورهای اروپایی که خواهان تجارت با شرق بودند بستند. هر چند انعقاد قرارداد صلح بین عثمانی‌ها و صفویان در سال ۱۰۴۸ ق. / ۱۶۳۸ م باری دیگر امکان تجارت را از طریق قلمرو عثمانی با بندرهای مدیترانه میسر ساخت، اما عوارض گمرکی زیاد و ناامنی جاده‌های عثمانی که اغلب مورد شکایت بود از نظر ترانزیت یک مانع محسوب می‌شد.

برای بازرگانان اروپایی به ویژه بازرگانان کشورهای بالتیک و اسکاندیناوی راه سوم هم وجود داشت که همان مسیر تجار روسیه در طول رود ولگا از طریق دریای خزر و با عبور از داغستان، شیروان و گیلان به سوی شمال ایران بود. این راه کوتاه تر و از نظر هزینه ۵۰٪ ارزان تر تمام می‌شد. فعالیت تجاری و دیپلماتیک چند کشور اروپایی (هلند، فرانسه، سوئد، لهستان، دانمارک و شاهزاده نشین کوچک هولشتاین) با روسیه در قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی بیانگر این است که آن‌ها به تکرار کوشیده‌اند این جاده را برای بازرگانی با اروپای غربی - شمالی قابل استفاده سازند تا عبور از سرزمین تزارها را بدون پرداخت عوارض گمرکی برای بازرگانان خود تأمین کنند. (لوفت، ۱۳۸۰: ۶۵)

بازرگانان روسی دائماً در دربار اصفهان به سر می‌بردند و انبوه پارچه‌های پنبه‌ای و ابریشمی مانند اطلس، حریر، مخمل، زری و همچنین قالی از طریق هشرخان به روسیه صادر می‌شد. مهم‌ترین کالاهای تجاری که در انحصار دولت روسیه قرار داشت عبارت بودند از: دخانیات، مس، قلع و منسوجات پشمی اروپای غربی. در نیمه دوم قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی دندان فیل دریایی نیز به این اقلام افزوده شد. تزار آلکسی میخائیلوویچ غیر از ابریشم به وارد کردن شوره هم علاقه بسیار داشت. (همان: ۷۰-۶۹)

بر پایه اطلاعات پراکنده معلوم می‌شود که تزارهای روسیه و بازرگانان خصوصی کالاهایی را از ایران و عثمانی خریداری می‌کردند و در ازای آن مقداری کالاهای صادراتی مانند خز و آهن آلات و مقداری شمش می‌پرداختند. روس‌ها باید نیم تا یک سوم از قیمت کالاهایی را که دریافت می‌کردند، در قالب نقره و سکه‌های طلا می‌پرداختند. (متی، ۱۳۸۷: ۵۶)

از آنجا که کالاهای فرستادگان و بازرگانان دولتی از پرداخت عوارض معاف بود سفرایی که بین دو کشور در حال رفت و آمد بودند از این طریق اجناسی را برای تجارت با خود حمل می‌کردند. چنانکه در سال ۱۰۶۴ ق. / ۱۶۵۴ م روستوفسکی سفیر روسیه که به همراه ۳۰۰-۲۰۰ نفر به ایران آمد مقدار فراوانی خز و کالاهای دیگر به همراه داشت و از جمله وظایف این سفارت مذاکره با دربار صفوی برای تجارت ابریشم بود. همچنین در سال ۱۰۷۵ ق. / ۱۶۶۴ م میلوسلاوسکی به همراه تعدادی از بازرگانان برجسته به دربار صفوی

فرستاده شد. آنها در این سفارت نیز به همراه خود پوست سمور، پارچه، طلا، نقره و مس آورده بودند. هدف اصلی این سفارت مذاکره برای تجارت آزاد و کسب اجازه به منظور احداث کارخانه ای در کنار دریای خزر بود. شاه عباس ابتدا از این سفیر پذیرایی کرد، اما هنگامی که متوجه شد این سفیر فقط به منظور تجارت در لباس سفارت سیاسی به ایران آمده است. پیشنهادهای او را رد کرد. (Matthee, 1994:751)

### ارامنه و تجارت با روسیه

تجارت خارجی ایران اصولاً در دست بازرگانان ارمنی بود که از دوره سلطنت شاه عباس اول برای فعالیت‌های بازرگانی خود در جلغا استقرار یافته بودند. آن‌ها به عنوان نمایندگان شاه در کشورهای مختلف اروپایی رفت و آمد می‌کردند چنانکه در چند شهر مانند ماری، ونیز و لیورنو مهاجرنشین‌های ارمنی وجود داشت.

بازرگانان ارمنی در تجارت با روس‌ها نقش اصلی را داشتند اما در تجارت با هندوستان، عثمانی و اروپای غربی در درجه دوم قرار می‌گرفتند. به هر حال بر اثر کوشش‌های متعدد چند کشور اروپایی برای ورود به معامله مستقیم ابریشم، بازرگانان ارمنی باری دیگر فرصتی به دست آوردند که در کنار معاملات واسطه‌ای، به طور مستقیم نیز در معاملات ترانزیت شرکت کنند. تا هنگامی که مناسبات بین ایران و عثمانی دوستانه بود مسیر تجاری لوان کشورهای شرق دریای مدیترانه اهمیت درجه اول خود را حفظ کرده بود. اما وقتی که در نیمه دوم قرن یازدهم هجری/ هفدهم میلادی کشمکش میان روسیه و عثمانی بالا گرفت تزار آلکسی میخائیلوویچ در سال ۱۰۷۷ق/۱۶۶۶م. با انعقاد معاهده ترک مخاصمه آندروسوو بین لهستان و روسیه کوشید تا جبهه مخالفی بر ضد عثمانی تشکیل دهد که در این زمان بر اهمیت مشارکت با ایران افزوده شد. (لوفت، ۱۳۸۰: ۷۰) همچنین معاهده آندروسوو این پیامد را به دنبال داشت که به بازرگانان روسی اجازه داد از طریق لهستان به اروپای شرقی بروند و بازرگانان لهستانی می‌توانستند از طریق روسیه به ایران عزیمت کنند.

در سال ۱۰۶۹ق/۱۶۵۹ م شاه عباس دوم خواجه زکریا را همراه با هدایایی از جمله تصویر حکاکی شده شام آخر عیسی مسیح بر روی مس، انگشتر طلا و چند جام قیمتی نزد تزار آلکسی میخائیلوویچ فرستاد. خواجه زکریا از طرف شاه عباس اختیاراتی داشت و در مسکو به عنوان مسئول دیپلماتیک ایران سعی کرد که میان ایران و روسیه یک قرارداد تجاری را تصویب کند. این هیأت پس از چهار ماه اقامت در مسکو به ایران بازگشت. (اعراب

## روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه ۷۱

هاشمی، ۱۳۸۳: ۴۲) این سفر در روسیه مورد استقبال قرار گرفته بودند و به نظر می‌رسد که اعضای این هیأت بازرگانی در لباس سفر بودند. از نتایج این سفر باید به تلاش هر چه بیشتر دولت روسیه جهت برقراری روابط تجاری با ارمنه اشاره کرد.

در سال ۱۰۷۸ ق. / ۱۶۶۷ م استفان رامادانسکی<sup>۱</sup> و گریگوری لوزیکف<sup>۲</sup> نمایندگان کمپانی تجاری ارمنی که در سال ۱۰۷۷ ق. / ۱۶۶۶ م تأسیس شده بود با هیأت چهل نفره وارد مسکو شدند و این سفارت توانست در تاریخ ۳۱ مه ۱۶۶۷ م یک قرارداد تجاری را به امضای تزار آلکسیی رساند. به موجب این پیمان بازرگانان ارمنی باید تمام ابریشم خام ایران را به روسیه حمل کرده و از طریق آن کشور به اروپای غربی صادر کنند.

ارمنه در شهرهای مرزی امتیاز مساوی با بازرگانان خارجی داشتند و به آنان ۵٪ عوارض پرداخت می‌کردند. چنانچه کالاهای آن‌ها در شهرهای مرزی به فروش نمی‌رفت بازرگانان ارمنی اجازه داشتند با پرداخت مجدد ۵٪ کالاهای خود را به کشورهای خارجی صادر کنند.

تجار ارمنی در برابر امتیازاتی که از سوی تزار روس به آنها واگذار شده بود مجبور بودند از راه‌های تجاری عثمانی استفاده نکنند و مبادلات تجاری خود را تنها از مسیر دریای خزر ولگا انجام دهند.

پیمان سال ۱۶۶۷ م پایه و اساس روابط تجاری و سیاسی میان ارمنه و دولت روسیه شد. البته مناسبات تجاری گسترده آنها با یکدیگر پیامدهای منفی نیز به دنبال داشت. همان قدر که تجارت ارمنه جلفا با روسیه سودآور بود به همان اندازه هم عدم بازگشت آنها به جلفا خطرناک بود، چرا که تعداد زیادی از تجار ارمنی به روسیه و از آنجا به دیگر کشورهای اروپایی می‌رفتند. (همان: ۱۹۹۴: ۷۵۲ / Matthee, 1994)

### شاه سلیمان و تجارت با روسیه

در دوره شاه سلیمان (۱۱۰۵ - ۱۰۷۸ ق. / ۱۶۹۴ - ۱۶۶۷ م) از تجار ارمنی در ایران به خوبی حمایت می‌شد، زیرا یک شرکت بازرگانی ارمنی ایرانی در سایه سیاست‌های حمایتی حکومت صفوی و جدیت و پشتکار اعضای خود توانسته بود به آن درجه از اقتدار بازرگانی و سیاسی برسد که به عقد قرارداد با دولت روسیه اقدام کرده و امتیازاتی کسب کند.

در این دوره کمپانی هند شرقی انگلیس تلاش فراوانی کرد که تجارت ابریشم را در ایران به انحصار خود در آورد اما در این راه چندان موفق نبود. ارمنه به دلایلی از جمله

<sup>۱</sup>. Stefan Ramadanskij

<sup>۲</sup>. Grigori Lusikov

توانایی در تجارت و نیز سیاست‌های حمایت‌گرایانه شاهان صفوی از تجارت ابریشم به کشورهای انگلیس و هلند اجازه ابراز وجود ندادند، تا جایی که حتی در مقطعی از قرن یازدهم هجری/ هفدهم میلادی این دو کشور را از گردونه تجارت ابریشم خارج کردند. اگرچه مراکز اصلی تولید ابریشم در دنیا در تصرف هلند و انگلیس بود و نیاز چندانی به ابریشم ایران نداشتند اما رقابت آنها با بازرگانان ارمنی ایران هیچ‌گاه متوقف نشد. ارامنه حتی از هلند نیز از طریق روسیه به ایران کالا وارد می‌کردند. (بورنوتیان، ۱۳۸۲: ۱۰۱)

از آنجا که ابریشم ایران مورد توجه اروپا بود دولت روسیه سعی می‌کرد از راه انعقاد قرارداد تجاری جدید با دولت‌های اروپایی، ابریشم مورد نیاز آنها را از ایران تهیه کند. اما به سبب آنکه بازرگانان روسی نتوانسته بودند سهمی مهم در تجارت ابریشم داشته باشند دولت روسیه این هدف را از طریق تجار ارمنی دنبال می‌کرد چرا که ارامنه به عنوان کلید واسطه تجارت بین اروپا و آسیا بودند.

ارامنه توانسته بودند طبق قرارداد تجاری ۱۰۷۸ ق. / ۱۶۶۷ م برخی امتیازات تجاری را از تزار روسیه کسب کنند، اما این قرارداد با شورش استنکا رازین<sup>۱</sup> در ولگا قابل اجرا نبود و در طی این شورش چندین ارمنی کالاهای خود را از دست دادند. بنابراین شاه سلیمان در سال ۱۰۸۲ ق. / ۱۶۷۱ م گریگوری لوزیکنت<sup>۲</sup> را به عنوان فرستاده شاه و نماینده بازرگانان ارمنی جلفا به مسکو فرستاد. بخشی از مأموریت او تقاضای غرامت اموال مسروقه بازرگانان ایرانی و شرح ناامیدی ارامنه از قرارداد ۱۶۶۷ م به خاطر شورش استنکا رازین و مسائل امنیتی بود. ارامنه برای کمک به کاهش بحران‌های دیپلماتیک سعی در متقاعد کردن شاه سلیمان داشتند که شورش استنکا رازین بدون دخالت دولت روسیه صورت گرفته است. سرانجام گفتگوی ارامنه بر سر قرارداد ۱۶۶۷ م منجر به بسته شدن قرارداد تجاری دیگری در سال ۱۰۸۳ ق. / ۱۶۷۲ م شد. این قرارداد نسبت به قرارداد ۱۶۶۷ م توافقی در زمینه مشکلات ارامنه برای تجارت با آن سوی هسترخان بود. (Kotilaine, 2005: 461-462)

علاقه متقابل دولت روسیه و ارامنه در تقویت همکاری تجاری ادامه یافت. چنانکه در سال ۱۶۷۹ م. ارامنه مشتاق افزایش قابلیت تجاری بودند و سالانه حدود ۴۸۰۰۰ پوند (۷۶۲۵۰۰ کیلوگرم) ابریشم ایران را به روسیه صادر کردند و روس‌ها نیز در سال ۱۶۸۹ م. برای حمایت از بازرگانان ارمنی در تجارت ترانزیت از یک سو از حضور بازرگانان غربی در

<sup>۱</sup>. Stenka razin

<sup>۲</sup>. Grigori Lusikent



### روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه ۷۳

روسیه و از سوی دیگر از حضور بازرگانان هندی و بخارا در هسترخان جلوگیری کردند. (Matthee, 1994:753)

مسیر تجاری شمال در سال ۱۱۰۱ق. / ۱۶۹۰م موفقیت خود را در مقابل بندر ناروا از دست داد، زیرا سوئد با طرح نقشه‌ای تجارت ترانزیت روسیه را به مسیر بالتیک و شهر ناروا به عنوان مرکز بازرگانی منحرف کرد. بنابراین تمایل ارمنیان در دهه آخر قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی برای استفاده از بازار فروش بالتیک افزایش یافت و امتیازات فراوانی از پادشاه سوئد کسب کردند. در نتیجه مسیر تجاری ناروا به یکی از عمده‌ترین بازارهای فروش ابریشم ایران تبدیل شد. (مبین، ۱۳۸۳: ۸۱۵-۸۰۹)

### شاه سلطان حسین و تجارت با روسیه

پتر کبیر در ابتدا علاوه بر ایجاد روابط حسنه با دربار شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵ق. / ۱۷۲۳-۱۶۹۴م) اهداف سودجویانه‌ای نیز داشت؛ روس‌ها می‌خواستند تجارت ابریشم ایران را در انحصار خود درآورند و به رقابت‌های صد ساله هلند و انگلیس پایان بخشند. (طاهری، ۱۳۵۴: ۲۰۱)

تزار روس که به ارزش بازرگانان فعال و کارآمد ارمنی در تجارت و صنعت پی برده بود درصدد برآمد که همچون شاه عباس کبیر تجارت ابریشم را در روسیه به کمک ارامنه سامان بخشد و در این زمینه امتیازات و تسهیلات بی‌شماری برای آنها فراهم کرد. قابل توجه است که پتر کبیر شخصاً به این مسائل رسیدگی کرده و حتی مسائل فرعی را خود حل و فصل می‌کرد. (بورنوتیان، ۱۳۸۲: ۱۱۰)

قدرت روزافزون روسیه و نیز وجه اشتراک دینی ارامنه با روس‌ها سبب شد تا ارامنه هر چه بیشتر به روس‌ها گرایش پیدا کنند. افزون بر آن، از زمان حاکمیت ترکان عثمانی بر آناتولی و بالکان اهمیت ارمنستان به عنوان پل ارتباطی اروپا و آسیا از میان رفته بود و ارامنه از قرن پانزدهم در میان حکومت‌های مسلمان عثمانی و ایران محصور شده بودند و این امر هویت جامعه ارمنی را در معرض تهدید قرار داده بود.

با قدرت گرفتن روسیه به عنوان یک امپراطوری و نیز اقدامات پتر کبیر برای جذب فرهنگ اروپایی این امید را در دل ارامنه زنده کرد که می‌توانند ویژگی‌های قبلی خود را به عنوان رابط غرب و شرق احیاء کنند. (تراب زاده، ۱۳۷۳: ۵۹)

پترکبیر با فرستادن ولینسکی به ایران علاوه بر اهداف سیاسی، اهداف تجاری را نیز دنبال می‌کرد. وی مأموریت داشت که اولاً قرارداد تجاری با ایران منعقد کند ثانیاً دربار صفوی را متقاعد کند که تجارت ابریشم را نه از راه حلب بلکه از طریق روسیه انجام دهند. مدتی پس از آنکه ولینسکی توانست معاهده تجاری با ایران را منعقد کند، شاه سلطان حسین طی نامه‌ای در ۱۶ شعبان ۱۱۳۲ ق. / ۲۳ ژوئن ۱۷۲۰ م به پترکبیر بر روابط تجاری و دوستانه دو کشور تأکید کرد. گزیده ای از نامه بدین شرح است:

«... و بیش از همه زمانی که آرتمی و لین در دربار ما با خان بزرگ اعتمادالدوله وزیر معتمد ما تشریف داشت که در آنجا در مورد اتباع و بازرگانان جناب عالی چنین قراردادی تصویب شد که محتوای آن طی فرمان عالی ما لازم‌الاجرای مقامات ارشد و دون پایه گردیده است. حال نامه موافقت آمیز و مورد تأیید طرفین مهور با مهر اعلی حضرت ارسال شده توسط قاصد پیک با کمال خوشنودی از سوی ما پذیرفته شد و بدین جهت که بین ما در آینده نیز هیچ اختلافی نتواند بروز کند... و به خان بیگ و وزرای ما حکم شده است که طبق این تصویب نامه و عهدنامه به اتباع شما جبر و ظلم نکنند، بلکه همه گونه احترام و مساعدت‌های لازم بنمایند و هنگامی که آنها به منظور تجارت با کشورهای خارج با گذرنامه‌ها عبور می‌کنند با آنان دوستانه رفتار شود و در غیر این صورت آنها هنگام ورود و خروج مراقب خود باشند.» (مسلمانان قبادیانی، ۱۳۸۷: ۲-۱)

پترکبیر نیز در نامه‌ای به شاه سلطان حسین در تاریخ ۲۰ صفر ۱۱۳۳ ق. / ۲۱ دسامبر ۱۷۲۰ م. ضمن تأکید بر روابط دوستی دو کشور به وظایف تجاری آوراموف، کنسول روسیه و باسکوف، نماینده روسیه در شماخی پرداخته است. در بخشی از این نامه چنین آمده است: «در حال حاضر هیأتی بزرگ از بازرگانان ما به طرف شماخی سفر می‌کنند جایی که به علت غیبت ناظر گاهی بی‌نظمی‌ها اتفاق می‌افتاد و به همین علت بازرگانان ذکر شده کنسول آوراموف را به عنوان مدیر و ناظر فعالیت تجاری منطقه مذکور انتخاب کرده‌اند و نیز الکسی باسکوف به عنوان نایب ملت روس در منطقه مذکور تعیین شده و اعلی حضرت دستور فعالیت آزادانه وی را صادر کند که وی حق نظارت بی‌نظمی‌های تجاری و حل مشکلات بازرگانان و اتباع ما را داشته باشد و کنسول تقاضاهای ما را به عرض اعلی حضرت (شاه سلطان حسین) خواهد رساند که بازرگانان هر دو مملکت با آسودگی بیشتر به کار تجاری مشغول شوند.» (همان: ۱۰-۹)

پتر کبیر در پی اقدامات صنعتی و تجاری در نامه‌ای به دربار صفوی در سال ۱۱۳۳ ق. / ۱۷۲۱ م. خواهان خرید ابریشم برای کارخانه‌های پارچه بافی روسیه شد. چنانکه وی در این نامه یادآور شده بود که چون تعداد زیادی از تولید کنندگان این کارخانه‌های پارچه بافی به صورت

## روابط تجاری ایران و روسیه در دوره دوم حکومت صفویه ۷۵

مکتوب از دولت روسیه خواسته‌اند که برای افزایش فعالیت کارخانه‌های خود نیازمند خرید ابریشم ایران هستند و آمادگی‌شان را جهت فرستادن نمایندگان خود به ایران اعلام کرده‌اند، بنابراین از طرف وزارت امور خارجه روسیه به خان‌های شیروان و گیلان نامه‌هایی فرستاده شد که مطابق موافقت‌نامه تجاری ایران و روسیه نمایندگان این کارخانه‌های پارچه بافی اجازه خرید ابریشم خام به مقدار لازم را داشته باشند و دولت ایران زمینه صادرات کالاهای خام ابریشمی به بندر هشترخان را فراهم کند. (همان: ۱۷)

### نتیجه گیری

در دوره شاه عباس اول به دلیل سیاست اقتصادی مناسب میزان معاملات تجاری بین ایران و روسیه افزایش یافت. شاه صفوی در مناسبات خود با دولت روسیه کوشید تا ضمن توجه به مسائل سیاسی در امور تجاری نیز قراردادهایی را منعقد سازد. چنانکه به منظور صادرات ابریشم تلاش کرد که مسیر تجاری شمال را جایگزین مسیر تجاری عثمانی کند. دولت روسیه نیز تمایل داشت که کالاهای ایران از مسیر شمال به آن کشور فرستاده شود تا دیگر دولت‌های اروپایی ناگزیر آن کالاها را از بازرگانان روسی خریداری کنند. البته در روابط تجاری دو کشور ایران و روسیه ارمانه نقش فعالی داشتند. زیرا هرچند ارمانه با دیگر کشورهای اروپایی نیز در داد و ستد بودند اما هم‌جواری با روس‌ها پیوند پایدارتری بین آنها ایجاد کرده بود. ارمانه که تقریباً تجارت خارجی را در انحصار خود داشتند با سیاست‌های حمایتی دولت صفوی و دولت روسیه چندین قرارداد تجاری میان دو کشور منعقد کردند.

در دوره شاه صفی به علت بروز جنگ میان ایران و عثمانی، شیوع طاعون و عدم امنیت در منطقه دریای خزر، میزان مبادلات تجاری دو کشور کاهش یافت. در دوره شاه عباس دوم علی‌رغم برخی درگیری‌های سیاسی میان دو کشور پیامدهای نامطلوبی در روابط تجاری ایران و روسیه به وجود نیامد. در دوره شاه سلیمان ارمانه همچنان نقش فعالی در روابط تجاری دو کشور داشتند تا جایی که برای کمک به کاهش بحران‌های دیپلماتیک برای متقاعد کردن دو طرف برای حفظ روابط دوستانه با یکدیگر تلاش می‌کردند. سرانجام در دوره شاه سلطان حسین علی‌رغم لشگرکشی پطر کبیر به قفقاز در سال ۱۷۲۲م. روابط تجاری ایران و روسیه همچنان ادامه داشت و این روابط نه تنها تقویت شد بلکه کمپانی‌های هلند و انگلیس نیز تجارت خود را با ایران حتی پس از فروپاشی صفویه تا اواسط قرن دوازدهم هجری/ هیجدهم میلادی از طریق روسیه انجام دادند.

فرجام سخن آنکه گرچه روابط ایران و روسیه در ظاهر چهره سیاسی داشت اما عملکرد روابط تجاری چشمگیرتر بود. به ویژه آنکه تغییر مسیر تجاری و رونق تجارت دریایی از طریق آب‌های آزاد شرایط جدیدی را در مورد جایگاه ایران و به طور کلی موقعیت اقتصادی و تجاری این کشور رقم زد. از آن پس نقش تجارت سنتی و راه‌های تجاری سنتی ضعیف شد. افزون بر آن، آنچه در تضعیف راه تجاری ابریشم مؤثر بود پایداری رابطه خصمانه ایران و عثمانی بود و این دشمنی‌ها موجب کاهش اهمیت داد و ستد از طریق جاده ابریشم شد. به این ترتیب بر رونق تجارت از مسیر خلیج فارس افزوده شد و در چنین شرایطی اندیشه استفاده از مسیر تجاری شمال کشور و از طریق روسیه نیز مورد توجه قرار گرفت و تلاش‌هایی جهت استفاده از این مسیر صورت پذیرفت.

اما با مرگ شاه عباس اول کنترل حکومت صفوی بر تجارت خارجی ضعیف شد و سرانجام با سقوط این حکومت عصر جدیدی در روابط ایران با غرب آغاز شد تا آنجا که در پایان قرن سیزدهم هجری/ هیجدهم میلادی روسیه و بریتانیا به عنوان دو ابرقدرت در منطقه نمایان شدند و در دوره ای حدود یک قرن و نیم شاهد رقابت این دو کشور برای کسب برتری سیاسی و اقتصادی و تلاش ایران برای حفظ موجودیت خود به عنوان ملتی مستقل با قرار دادن دو رقیب در برابر یکدیگر هستیم.

## منابع و مأخذ

- اعراب هاشمی، شکوه السادات (۱۳۸۳) نقش ارامنه در تجارت خارجی صفویه، مجموعه مقالات ایران زمین در گستره تاریخ صفویه، به اهتمام: مقصودعلی صادقی، تبریز: ستوده.
- اولناریوس، آدام (۱۳۷۹) سفرنامه اولناریوس، جلد ۱. ترجمه: حسین کردبچه، تهران: هیرمند.
- امیری، حکیمه (۱۳۸۰) تجارت خارجی در دوره صفویه، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، سال دوم، شماره ۸ - ۷، تهران.
- بورنوتیان، جورج. ای (۱۳۸۲) تاریخ ایران در اسناد ارامنه و روس‌ها، ترجمه: رجبعلی کوانی، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۱ - ۱۰، مرداد و شهریور، تهران.
- پارسا دوست، منوچهر [بی تا] روابط دیپلماسی شاه عباس اول، [بی جا]: [بی نا].
- پور محمدی املشی، نصرالله (۱۳۸۴) تأملی در کتاب اسناد پادریان کرملی، کتاب ماه و تاریخ و جغرافیا، شماره ۷-۶، فروردین و اردیبهشت، تهران.
- پیگلسکایا، ن. و دیگران (۱۳۵۴) تاریخ ایران از گذشته تا امروز، ترجمه: کریم کشاورز. تهران: پیام.
- تراب زاده، منیژه و دیگران (۱۳۷۳) ماهیت تحولات در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: وزارت امور خارجه.
- جمال زاده، محمدعلی (۱۳۸۴) تاریخ روابط روس و ایران، تهران: سخن.
- ستوده، منوچهر (۱۳۸۳) اسناد پادریان کرملی بازمانده از عصر شاه عباس، تهران: میراث مکتوب.
- سیوری، راجر (۱۳۷۴) ایران عصر صفوی، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- شاردن، ژان (۱۳۵۰) سیاحتنامه شاردن، جلد ۴، ترجمه: محمد عباسی، تهران: امیر کبیر.
- (۱۳۴۵) سیاحتنامه شاردن، ج ۹-۸، ترجمه: محمد عباسی، تهران: امیر کبیر.
- شعبانی، رضا (۱۳۶۵) تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، [بی جا]: [بی نا].
- شوستر والسر، سببلا (۱۳۶۴) ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپائیان، ترجمه: غلامرضا وهرام، تهران: امیر کبیر.
- طاهری، ابوالقاسم (۱۳۵۴) تاریخ روابط بازرگانی و سیاسی انگلیس، تهران: انجمن آثار ملی.
- فریر، رانلد (۱۳۸۴) تاریخ ایران (دوره صفویان) از مجموعه تاریخ کمبریج، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: جامی.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۶۹) زندگانی شاه عباس، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- لوفت، پاول (۱۳۸۰) ایران در عهد شاه عباس دوم، ترجمه: کیکاوس جهاننداری، تهران: وزارت امور خارجه.
- مبین، ابوالحسن (۱۳۸۳) سرآغاز روابط ایران و سوئد در عصر صفوی، مجموعه مقالات ایران

۷۸ فصلنامه تاریخ روابط خارجی، س ۱۳، ش ۵۱، تابستان ۱۳۹۱

- زمین درگستره تاریخ صفویه، به اهتمام مقصودعلی صادقی، تبریز: ستوده.  
متی، رودلف. پ (۱۳۸۷) **اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی**، ترجمه: حسن زندیه، قم:  
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- مسلمانان قبادیانی (رحیمی)، رحیم و دیگران (۱۳۸۷) **اسنادی از روابط ایران و روسیه از  
صفویه تا قاجاریه**، تهران: وزارت امور خارجه.
- مفخم پایان، لطف الله (۱۳۷۵) **دریای خزر**، ترجمه: جعفر خمایی زاده، رشت: هدایت.  
نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۰) **ایران و جهان از مغول تا قاجاریه**، جلد ۱، تهران: مؤسسه نشر هما.
- Kotilaine, Jarmo.T. «Russias Foreign Trade and Economic Expansion in the  
Seventh Century». 2005. «<http://books.google.com>». [10/06/2009]
- Matthee, Rudi. «Anti-Ottoman politics and Transit Rights :the Seventeen –  
century Trade Silk between safavid Iran and Muscovy»1994.  
«<http://perssee.fr>». [10/6/2009]